

صحنه‌سازی اعدام در ملأ عام، تهدیدی علیه کل جامعه است! (یادداشت روز)

رژیم جمهوری اسلامی ایران، با پیشینه‌ای قریب به پنج دهه کشتار و اعدام، به بهانه مرگ نیان دختر 6 ساله اهل بوکان در دی ماه سال گذشته که به شیوه ای غیرانسانی از سوی ایلیا خلیفه‌زاده، جوان 20 ساله اهل سقز مورد تعرض و تجاوز جنسی قرار گرفته بود، در بامداد شنبه 21 تیر 1404، بساط اعدام در ملأ عام را در شهر بوکان به راه انداخت. شایان ذکر است این دومین اعدام در ملاء عام طی یک هفته گذشته است. بامداد روز 18 تیر یک نفر دیگر هم در بخش باروق میان‌دوآب در استان آذربایجان غربی در ملاء عام اعدام شد.

جدا از اعدام در ملاء عام زندانیان در استان آذربایجان غربی، امروز 21 تیر رژیم جنایتکار سرمایه داری ایران در زندانهای قزوین و زنجان چهار نفر به اسامی: یوسف پارسا، علیرضا باقری، مهران حبیبی و اسماعیل والی‌پور و حسن میلادپور اهل ایلام در زندان ملایر را نیز اعدام کرد. خبرگزاریهای محلی در سایر مناطق ایران نیز طی روزهای گذشته از حکم اعدام چهار زندانی به نامهای عبدالحسین جابری، سعید مهرابی، محم دطیب عبداللهی و ناصر کاظم زاده در زندانهای مرکزی کرج و شیراز و فریدون نظیری و هادی نصری در زندان قم، احمد علی مهدی نژاد و جواد یاریبگی در استان همدان و اراک خبر داده اند.

متأسفانه، بخشی از مردم کم‌آگاه این شهر، به‌جای اینکه خشم مبارزاتی خود را متوجه دستگاه کشتار رژیم و قتل‌عام دولتی کنند، با حضور صدها نفری و هیاهو در صحنه‌ی اعدام ایلیا، آگاهانه یا ناآگاهانه به دام سناریوی سرکوبگرانه‌ی رژیم افتادند.

رژیم ننگین جمهوری اسلامی به‌خوبی می‌داند که اکثریت عظیم جامعه خواهان سرنگونی ماشین دولتی‌ای هستند که دهه‌هاست از طریق سلطه بر ابزار تولید، زندگی و معیشت مردم را به گروگان گرفته است. مردم نیز می‌دانند که رژیم با پروپاگاندا ادعا می‌کند که به دفاع از کودک قربانی، ایلیا را اعدام کرده است. اما چوبه‌ی دار رژیم نه بر پایه‌ی دفاع از "حق" یا رسیدگی به «تجاوز»، بلکه با هدف نهادینه‌کردن پدیده‌ی اعدام در جامعه، برپا شده است.

چهار دهه است که چوبه‌های دار جمهوری اسلامی برپا بوده‌اند، و جوخه‌های اعدام، سینه‌ها را شکافته‌اند. اما رژیم، از ترس اعتراضات مردمی، این اعدام‌ها را در خفا و دور از چشم جامعه انجام داده است. زیرا می‌داند که اکثریت مردم، تحت هیچ بهانه‌ای، این پدیده‌ی شنیع و ضدانسانی را نمی‌پذیرند.

در عین حال، جامعه عمل ضدانسانی و تجاوزگرانه‌ی ایلیا را نیز به‌شدت محکوم و تقبیح می‌کند. اما خواهان دادگاهی علنی و مردمی برای متخلفان است، تا ضمن آگاه‌سازی اجتماعی، مجازات مناسب برای آن‌ها تعیین گردد - نه اعدام.

جامعه همچنین آگاه است که رژیم انگلی سرمایه‌داری ایران، خود کارنامه‌ای سیاه و پر از تجاوز و کشتار علیه اکثریت مردم دارد. بنابراین، سران جنایت‌پیشه‌اش نباید در جایگاه قاضی و داور بنشینند، بلکه باید به‌عنوان اعضای هیئت مرگ و جنایتکارانی که نسل‌کشی را به‌صورت سیستماتیک اجرا کرده‌اند، در پیشگاه دادگاه علنی مردم محاکمه شوند. رژیمی که تنها در چند سال اخیر، با شلیک مستقیم مأمورانش، جان صدها کودک زیر سن قانونی مانند نیان را گرفته؛ با گلوله ساچمه‌ای چشم صدها نفر را کور کرده؛ و هزاران قلب را از تپش انداخته است.

رژیمی که پس از جنگ ارتجاعی دوازده روزه با اسرائیل، تلاش دارد بساط اعدام سیاسیون را مانند دهه‌ی خونین ۶۰ دوباره در شهرهای مختلف راه‌اندازی کند، تا با این روش، اعتراضات، اعتصابات و خیزش‌های مردمی را سرکوب نماید.

همزمان، پروژه همیشگی رژیم در اشاعه‌ی افغانستانی‌ستیزی نیز شدت گرفته است. در هفته‌های اخیر، با بهانه‌های پوچ و بی‌اساس مانند «جاسوسی برای اسرائیل»، در حالی که دستگاه تجسسی غرب و اسرائیل در بالاترین سطوح رهبری لانه خوش کرده و سرانشان با وجود آن در تعامل برای یافتن "راه حل دیپلماتیک" هستند، حملات وحشیانه‌ای علیه مهاجران افغانستانی صورت گرفته، این در حالی‌ست که والدین این کودکان، علی‌رغم تحقیر و بی‌حقوقی‌های مداوم، سال‌هاست بخشی جدایی‌ناپذیر از اردوی کار این جامعه به‌شمار می‌آیند.

و صدها هزار نفر - از جمله ده‌ها هزار کودک و نوجوانی که در ایران به دنیا آمده‌اند - از کشور اخراج شده‌اند، رویکردی که هنوز ادامه دارد و باید قاطعانه جامعه علیه آن بایستد.

این جنگ و دندانش نشان دادن ها به جامعه بیانگر اینست هراس رژیم دوجندان شده است؛ تا آنجا که خود را برای تدارک جنگی سخت تر با جامعه تجهیز کرده است. کمالینکه طی روزهای اخیر بارها از سوی مقامات بالای رژیم خطاب به جامعه میگویند «اگر ماشین کشتار دهه شصت راه اندازی نشود به پشت آخرین خاکریزهای رسیده ایم و پایان راهست». ترس از آنکه هر لحظه ممکن است کارگران و دیگر اقشار معترض با قدرتی بیشتر به صحنه اعتراضات و اعتصابات بازگردند، رژیم را واداشته است تا بار دیگر، در ابعادی وسیع و مشابه دههی شصت، قدرت سرکوب خود را به رخ جامعه بکشد. خطر اعدام های فله ای را جامعه باید بسیار جدی بگیرد.

اکنون صدها و شاید هزاران نفر دیگر مثل فرشته محمدی ها و بچه های آکیاتان- میلاد آرمون، علیرضا کفائی، نوید نجاران، امیر خوش اقبال، حسین نعمتی، علیرضا برمرزپورناک، و منوچهر فلاح، پژمان سلطانی، رزگار بیگ زاده بابامیری، کاوه صالحی، علی قاسمی و پویا قبادی، و پخشانهها، خطر اعدام بر سرشان چرخ می زند. در همان روزی که «آتشبس لفظی» میان ایران و اسرائیل اعلام شد، قضات مرگ و ماشین اعدام شدت بیشتری گرفته و در انتشار خبر احکام فلکه ای اعدامها بیش از پیش فعال گشته اند.

اعدام، قتل عمد دولتیست و علیه آن بپاخیزیم

ناصر بابامیری

12.07.2025